امتیاز

دوشنبه ۹ خرداد ۱۴۰۱
۲۹ شوال ۱۴۴۳ ● ۳۰ می ۲۰۲۲
شماره ۳۴۴۳ ● ۸ صفحه

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز: طیبه نوروزی
مدیرمسوول: غلامحسین شعبانی
نشانی: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۶۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۶۷۷۶۴ - آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لیتوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

اخبار

پروانه معصومی:

هرچه جوان‌تر بهتر

پروانه معصومی، هنرمند پیشکسوت کشورمان از انتخاب نیروهای جوان در سازمان صداوسیما به عنوان مدیران شبکه‌های تلویزیونی استقبال می‌کند و می‌گوید: جوانان تحصیلکرده‌ی بسیار شریف و شایسته‌ای برای مدیریت در کشور داریم؛ البته به شرط آنکه کاربلد باشند و من فکر می‌کنم اتفاقا هر چه جوان‌تر بهتر.

این بازیگر در گفت‌وگویی با ایسنا درباره انتصاب‌های جدید در سازمان صداوسیما و بحث جوان‌گرایی، تصریح کرد: من کارمند رسمی صداوسیما نیستم و فقط گاهی فیلم و سریال بازی می‌کنم؛ بنابراین خیلی مدیران صداوسیما را نمی‌شناسم که بخواهم اظهارنظری داشته باشم، انتقاد کنم یا از آنها تعریف و تمجید کنم اما امیدوارم این تغییرها برای صداوسیما سازنده باشند. آنچه که تجربه ثابت کرده این است، با جوان‌هایی که تحصیلکرده هستند و زمینه انسانیت و درستی دارند، امیدوار خواهیم بود که حتما پیشرفت می‌کنیم.

بازیگر سریال‌های «مسافر ری»، «امام علی(ع)»، «یوسف پیامبر» و «پلیس جوان»، سپس درباره چارت مدیریتی سازمان صداوسیما که با جوان‌ها بسته شده است خاطرنشان کرد: اتفاقاً به نظرم هرچه مدیریت به جوان‌ترها سپرده شود، بهتر است. جوانان ما خیلی خوب هستند. درست است افرادی که سن و سالی از آنها گذشته و پا به سن گذاشته‌اند بدون شک تجربه بیشتری دارند اما فکر می‌کنم جوانان تحصیلکرده‌مان هم بسیار شایسته هستند فقط به شرط آنکه درست انتخاب شده باشند و واقعا سواد کافی در زمینه جایگاهی که انتخاب شده‌اند را داشته باشند.

پروانه معصومی که آخرین کار تلویزیونی‌اش سریال «در کنار پروانه ها» برای شبکه دو سیما بود و شهریور ۱۴۰۰ روی آنتن رفت، درباره جدیدترین کارهایش گفت: فعلاً کار جدیدی برای تلویزیون ندارم و تا پایان کرونا کار نمی‌کنم البته الان که وضعیت رو به بهبود است اگر کار خوبی پیشنهاد شود حتماً بازی می کنم.

به گزارش ایسنا، سریال «در کنار پروانه ها» آخرین حضور پروانه معصومی بود که از شبکه دو سیما به روی آنتن رفت. این سریال به کارگردانی داریوش یاری و تهیه کنندگی بهروز مفید ساخته شد. پروانه معصومی در این مجموعه در کنار برزو ارجمند، نگار عابدی، بیتا سحرخیز، شهین تسلیمی و مهران رجبی ایفای نقش داشت.

انجام مراحل فنی سریال «تازه وارد» با موضوع فرزندآوری

سریال اپیزودیک «تازه وارد» به تهیه‌کنندگی محمدجواد موحد که چندی پیش تصویربرداری آن به پایان رسید، این روزها مراحل پس‌تولید از جمله تدوین، صداگذاری، ساخت موسیقی و جلوه‌های ویژه بصری را به صورت همزمان پشت سر می‌گذارد تا به زودی آماده نمایش شود.

تدوین این اثر توسط علی گورانی و حسن حبیب‌زاده در حال انجام است و احسان افشاریان طراحی و ترکیب صدای «تازه وارد» را برعهده دارد. همچنین امید روشن‌بین و علی روحانی موسیقی این سریال اپیزودیک را می‌سازند و یحیی محمدعلیی و علی نوروزی اصلاح رنگ و نور را انجام می‌دهند. جلوه‌های ویژه بصری نیز برعهده محمد رمه‌چی و صادق لطفی‌زاده است.

هشت فیلمساز جوان و تازه‌نفس، ساخت این سریال یازده اپیزودی را برعهده داشته‌اند که عبارتند از حسن حبیب‌زاده، رضا محبی، میلاد محمدی، سجاد معارفی، رضا کشاورز، احمد حیدریان، محسن امانی و محمدجواد صالحی.فرزندآوری سوژه «تازه وارد» است که در ژانر خانوادگی - اجتماعی ساخته شده است. این اثر اپیزودیک همچنین به معضلات خانواده‌هایی که در سودای بچه‌دار شدن هستند، می‌پردازد.

نامه جعلی چارلی چاپلین را من نوشتم!

رضا قوی فکر ـ روزنامه نگار

فرج‌الله صبا، روزنامه نگار پیشکسوت ایرانی است که نامه معروف چارلی چاپلین به دخترش که سال‌هاست دست به دست و بازنشر می‌شود را نوشته! او سال ها تلاش کرد تا ثابت کند چارلی چاپلین روحش هم از نوشتن آن نامه خبر نداشته اما انگار مردم دوست داشتند که آن نامه را واقعا خود چارلی چاپلین نوشته باشد.

در این گزارش ها به اختصار به زندگی شخصی و حرفه‌ای چند روزنامه نگار معاصر و برجسته ایرانی خواهیم پرداخت.

جهت تکمیل اطلاعات این گزارش‌ها با رضا قوی فکر ـ دبیر انجمن پیشکسوتان مطبوعات ـ مشورت شده و وی بعضا یادداشت‌هایی نیز به این گزارش‌ها افزوده است.

فرج‌الله صبا نخستین روزنامه نگاری است که درباره‌اش می نویسیم. او در سال ۹۲ و در آیین اختتامیه بیستمین جشنواره مطبوعات که با حضور رئیس جمهور وقت در محل تالار وحدت تهران برگزار شد، مورد تقدیر قرار گرفت.

گزارش را با شرح یک سوء تفاهم بزرگ در زندگی کاری این روزنامه نگار که آوازه‌اش جهانی شد، شروع می‌کنیم.

فرج‌الله صبا یکی از روزهای دهه ۴۰ به طور اتفاقی مطلبی را برای نشریه‌ای قلم می‌زند که سال‌هاست به اشتباه در میان مردم به عنوان نامه چارلی چاپلین به دخترش دست به دست می‌شود.

متن نامه بسیار ساده، زیبا و تاثیرگذار است و از آنجا که چارلی چاپلین هنرمند شناخته شده و محبوبی در دنیا تلقی می‌شود، خیلی عجیب نیست که هر خواننده‌ای با دیدن نام چارلی چاپلین در این نامه که آن موقع فرج‌الله صبا جهتِ بخشیدن فضایی فانتزی به مطلبش از آن استفاده کرد، بی درنگ فاتحه‌ای نثار آن مرحوم کرده و یقین حاصل کند که نوشتن چنین متن دل انگیز و تاثیرگذاری فقط از چنین هنرمند والامرتبه‌ای برمی‌آید!

بماند که صبای روزنامه نگار چقدر تلاش کرد مردم را مجاب کند که این نامه جعلی است و چارلی چاپلین آن را ننوشته، بلکه در یکی از دفاتر روزنامه نگاری تهران خودمان و توسط خود او نوشته شده است!

خود صبا در شرح ماجرای نامه‌ی جعلی منتسب به چارلی چاپلین، گفته است: «در مجله‌ی «روشنفکر» تصمیم گرفتیم به تقلید از فرنگی‌ها ما هم ستونی راه بیندازیم که در آن نوشته‌های فانتزی به چاپ برسد. به هر حال می‌خواستیم طبع‌آزمایی کنیم. این شد که در ستونی، هر هفته، نامه‌هایی فانتزی به چاپ می‌رسید. آن بالا هم سرکلیشه «فانتزی» تکلیف همه چیز را روشن می‌کرد. بعد از گذشت یک سال دیدم مطالب ستون تکراری شده است. یک روز غروب به بچه‌ها گفتم مطالب چرا این‌قدر تکراری‌اند؟ گفتند: اگر زرنگی، خودت بنویس! خب، ما هم سردبیر بودیم. به رگ غیرت‌مان برخورد و قبول کردیم. رفتم توی اتاق سردبیری و حیران، معطل مانده بودم چه بنویسم که ناگهان چشمم افتاد به مجله‌ی روی میز. بر آن عکس چارلی چاپلین و دخترش چاپ شده بود. همان‌جا در دم نامه‌ای از قول چاپلین به دخترش نوشتم. از آن طرف، صفحه‌بند هم فشار می‌آورد زود باش، باید صفحه‌ها را ببندیم. آخر سر هم این عجله کار دستمان داد و کلمه‌ی «فانتزی» از بالای ستون افتاد و همین شد باعث گرفتاری من طی این همه سال.»

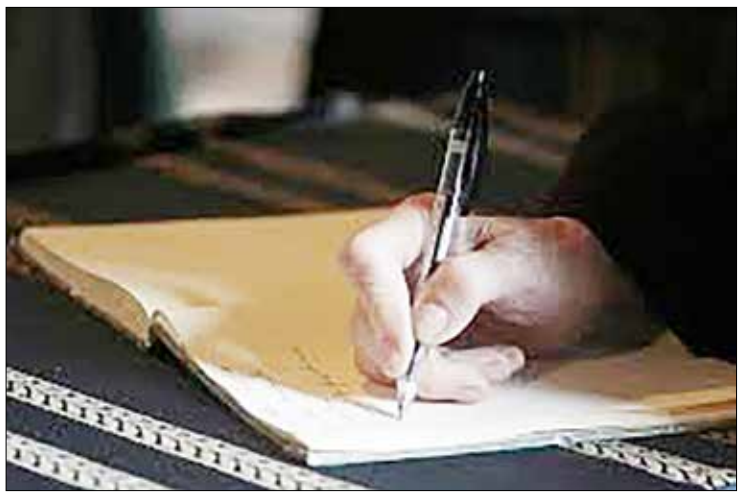

حالا این دروغ یکی از پرعمرترین دروغ‌های رسانه‌ها و جراید ایران است و هنوز به زندگی‌اش ادامه می‌دهد. این نامه‌ی جعلی در مقدمه‌ی چند کتاب هم منتشر شده و به آن استناد می‌شود. جالب این‌که نامه به زبان انگلیسی و چند زبان دیگر ترجمه شده است. این نامه در فضای نشر و مطبوعات ایران تا حدی واقعی جلوه کرده بود که حتی در مقدمه‌ی کتاب معروف «حقوق زن در اسلام»، به این نامه اشاره شده است.

مایکل چاپلین ـ پسر چارلی چاپلین ـ وقتی سال ۱۳۸۰ مهمان جشنواره‌ی فیلم فجر شد، درباره این نامه از او سوال شد، او به خبرنگارها گفت، پدرش آن‌قدر گرفتار بوده که فرصت نداشته برای بچه‌هایش نامه بنویسد؛ اما باز هم کسی باورش نشد و همچنان این نامه به عنوان نامه ای که چارلی چاپلین به دخترش نوشته دست به دست شده و تاثیر زیادی هم روی خواننده‌ها به ویژه زنان و دختران می‌گذارد.

به گفته رضا قوی فکر، دبیر انجمن پیشکسوتان مطبوعات و از شاگردان فرج‌الله صبا، حال استاد صبا این روزها تعریفی ندارد و این روزنامه نگار پیشکسوت گویا شرایط مساعدی جهت مصاحبه و یا دیدار با شاگردان و دوستانش را ندارد.

قوی فکر، استاد پیشکسوت مطبوعات در یادداشتی که در اختیار ایسنا قرار داده درباره استادش فرج‌الله صبا نوشته است:

«به یاد فرج الله صبا، روزنامه نگار بی بدیل

فرج الله صبا بی تردید پدیده ای کمیاب در تاریخ معاصر روزنامه نگاری ایران است. او که اینک ۸۸ سال دارد، سال هاست که عطای مطبوعات را به لقایش بخشیده است. کُنج عزلت گزیده و با «نغمه» اش روزگار می گذراند. این نوشته در حقیقت ادای دینی است به استادم فرج الله صبا.

استادِ بی بدیل روزنامه نگاری، فرج الله صبامتولد ۱۳ مردادَ ۱۳۱۳ در تبریز است. پدرش علی اکبر خان صبا از شاگردان استاد جلال الدین همایی و دارای دیپلم ادبی در آغازین روزهای تاسیس دانشگاه در عهد رضا شاه و از نخستین لیسانسیه های دانشگاه نوبنیاد تهران در زمان خود بود و مادرش فخرالملوک از خاندانی فرهنگی بود که از قره باغ به ایران‌کوچ کرده بودند. آقای صبا از دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه تهران در رشته زبان فرانسه فارغ التحصیل شده است. فعالیت مطبوعاتی اش را از سال‌های تحصیل با انتشار روزنامه های دیواری در دبیرستان آغاز کرده است. در سال ۱۳۳۳ به موسسه اطلاعات پیوسته است. از اواسط سال ۱۳۳۴ مشاغل مختلفی نظیر نمونه خوانی، دبیری سرویس، معاونت سردبیری، نویسندگی و مترجمی را در این روزنامه تجربه کرده است. پس از آن با مجلات دیگری مثل سپید و سیاه، بامشاد و روشنفکر کار کرده است. مطالب خود را با نام های مستعار «هامون« و «دشت» امضا می کرده است. فرانسه و ترکی می داند و در دهه ی ۴۰ معاون سردبیر مجله زن روز از انتشارات موسسه کیهان بوده است. همکاری او با مجله زن روز ۱۵ سال طول کشید. استاد فرج الله صبا همزمان با معاونت سردبیری مجله زن روز در دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی به دانشجویان رشته روزنامه نگاری، شیوه ی نگارش و روزنامه نگاری درس می داد و دانشجویان را به شیوه ای جذاب و دلنشین، با چهره های شاخص و آثار ارزنده ی ادبیات ایران وجهان آشنا می‌کرد. کلاس درس استاد صبا بی تعارف، شگفت انگیز بود. نام بسیاری از قلندران ادبیات ایران و جهان را ما دانشجویان اول بار از زبان او شنیدیم. در ۲۵ اردیبهشت سال ۵۸ وقتی ۲۰ نفر از اعضای تحریریه روزنامه کیهان اخراج شدند، فرج الله صبا در انتقاد به این تصمیم از کیهان رفت و مدتی بعد با نام مستعار فرخ ماهان با مجله دانشمند همکاری کرد و مطالب علمی را با زبانی شیرین و واژگانی جذاب به مخاطبان مجله عرضه می کرد. همکاری آقای صبا با مجله دانشمند حدود ۱۲ سال طول کشید. در سال ۱۳۸۰ به ماهنامه دانشگر به صاحب امتیازی مرکز نشر دانشگاهی و به مدیر مسئولی دکتر رضا منصوری پیوست. با آمدن دولت احمدی نژاد خوانندگان بی شمار دانشگر، از خواندن مطالب او محروم شدند. پس از آن آقای صبا گوشه ی عزلت گزید و عطای مطبوعات را به لقایش بخشید و حالا سال هاست که تنها همدمش «نغمه»، دختر دلبندش پدر را چونان دُری گرانبها در خانه اش تر و خشک می کند. بارها تلاش کرده ام به دیدارش بشتابم و یک بار دیگر صدایش را به گوش جان بشنوم، اما موفق نبوده ام. از وقتی که در سال ۳۳ (درست وقتی من به دنیا آمدم)، به عنوان مصحح به استخدام روزنامه اطلاعات درآمد و تا هنگامی که معاون سردبیر اطلاعات بانوان شد و بعد کارش را در اطلاعات کودکان، اطلاعات هفتگی، اطلاعات ادبی ادامه داد و تا هنگامی که معاون سردبیر زن روز شد و بعد از آن در دانشمند و دانشگر قلم زد، فرج الله صبا بی هیچ تردید، یک روزنامه نگار همه فن حریف خوش فکر و با سلیقه و در عین حال گرامی و دوست داشتنی باقی ماند. داستان هایش تیراژ سپید و سیاه و روشنفکر را بالا می‌بُرد. حالا اما حیف که برایمان از خود نمی گوید؛ از روزنامه نگاری بی بدیلش، از تدریسش در دانشکده و از اینکه چگونه یک ستون فانتزیِ خالی مانده در مجله ی روشنفکر را نوشته است که بعدها به عنوان نامه ی چارلی چاپلین به دخترش در جهان معروف شده است. امروز اما با آنکه بر همگانِ اهل روزنامه نگاری ثابت شده است که این نامهَ را چاپلین به دخترش ننوشته است و حاصل تخیلِ کم نظیر استاد صباست و با آنکه پسر چاپلینَ وقتی به ایران سفر کرد اعلام کرد که پدرش آنقدر گرفتار بوده است که فرصت نامه نوشتن به فرزندانش را نداشته است، اما هنوز هستند کسانی که این حرف را باور ندارند و همچنان نامه را به چاپلین نسبت می دهند. کاش این روزگارِ کجمدارِ بی انصاف، روی خوشش را نشان می‌داَد تا می‌توانستم یک بار دیگر در محضر استاد روزنامه نگاری و استاد راهنمای پایان نامه ام یک دل سیر بنشینم و حرف های مانده از آن روزگارش را بشنوم. بی هیچ مبالغه، سایه اش را همواره بر سرم احساس می کنم. اما، حسرتِ دیدارش بدجوری در دلم مانده است.

ممیزی محتواهای غیرآمریکایی در هالیوود شدید است!

اظهارات جالب کارگردان هندی آمریکایی

از کتاب «هالیوود» نوشته چالز بوکوفسکی که از پوچی و خودشیفتگی‌های برخی افراد فعال در صنعت فیلمسازی آمریکا پرده برمی‌دارد تا «واپسین عصر طلایی هالیوود» که رسوایی واترگیت و سایه نیکسون را بر سینمای دهه هفتاد آمریکا توصیف می‌کند، می‌توان به این مساله اذعان داشت که هالیوود از درون و بیرون از خودی و غیرخودی، با موجی از نارضایتی مواجه است اما سایه سنگین و اهرم‌های پشت پرده صنعت سینمای آمریکا قوی تر از آن است که بخواهد حتی با نارضایتی اکثریتی، از نقش و هدف خود عدول کند. این یک حقیقت است که سینمای آمریکا پس از کنار رفتن کشورهای صاحب سینما چون فرانسه، آلمان، ایتالیا و... و نبود رقیب همتراز، همیشه جزو سینماهای محبوب جهان بوده و در عرصه جهانی یکه‌تازی می‌کند. هالیوود به عنوان مرکز تولید فیلم در آمریکا، امروزه صنعتی قدرتمند با تولید سود سرسام‌آور برای این کشور است. این سینمای محبوب گاه فیلم‌هایی تولید می‌کند که باعث خشم و انزجار مردم کشورهای دیگر می‌شود زیرا فرهنگ و تاریخ نشان داده شده در برخی از این فیلم ها با فرهنگ واقعی آن کشورها همخوانی ندارد و گاه حتی به سمت اهانت به این فرهنگ‌ها حرکت می‌کند متفکران زیادی سعی در کالبدشکافی این نگاه تحقیرآمیزانه به دیگر فرهنگ‌ها داشته اند و علت‌هایی را نیز در کتاب‌ها و مقاله‌هایشان ذکر کرده‌اند و اما مهمترین برآیند و نتیجه‌گیری از این سیاست هالیوود همان است که آمریکا و سینمایش همچنان در دنیا بتازد و بی‌رقیب پیش برود که البته امروزه افول این دو به شکلی محسوس و با برآمدن آزادی‌خواهی کشورهایی چون ایران عزیزمان و موجی که انقلاب به عدم وابستگی به غرب و آمریکا را به دنیا مخابره کرد از یک سو و برآمدن قدرت‌های اقتصادی و شوکه کننده‌ای همچون کشور چین، که آمریکا را با تمام وجود به گوشه رینگ برده، همه حاکی از تغییر نقشه سیاسی، فرهنگی و جابجایی توازن قدرت در جهان خواهد بود. در همین خصوص و در بحث شناخت بیشتر جریان هالیوود و موهبتی که این صنعت سینما از دو جنبه مالی و سیاسی برای آمریکا به ارمغان آورده، سلسله گفتگوها و نظرات هنرمندان و سینماگرانی را با شما مخاطبین درمیان خواهیم گذاشت که در ادامه گفتگوی جالب و خواندنی «سوجاتا دای» کارگردان هندی که در هالیوود مشغول فیلمسازی است، پیش روی شما قرار می‌گیرد: «سوجاتا دای» هنرپیشه و کارگردان آمریکایی هندی تبار می‌گوید تا قبل از اینکه با سختی یک فیلم با موضوع هند بسازم، در هالیوود تنها مجبور به بازی در نقش تروریست و شهروندان لهجه‌دار و نقش‌های نازل بودم و این شرایط همچنان بر سینمای آمریکا حکمفرما است پدر و مادر من در کلکته هند به دنیا آمدند و بزرگ شدند و دوران طلایی سینمای بنگالی را تجربه کردند. آن‌ها می‌توانستند خود را در شخصیت‌هایی روی پرده ببینند که معماهایی مانند سومیترا چاترجی در «فلودا» را حل می‌کنند، مانند ستاره‌های افسانه‌ای اوتام کومار و سوچیترا سن دوست می‌شوند و زندگی روزمره روستایی را که از دریچه لنز دوربین خشن و نیش‌دار «ساتیاجیت رای»(کارگردان اسطوره‌ای هندوستان) دیده می‌شود، زندگی کنند.

من به عنوان یک دختر بنگالی-آمریکایی نسل اول، با دو فرهنگ متفاوت در یک محله ایرلندی-کاتولیک در حومه شهر بزرگ شدم. شش سال به مدرسه کاتولیک رفتم، اما به کمپ معبد هندو نیز می‌رفتم و بیشتر تعطیلات تابستانی خود را در کلکته گذراندم. من به زبان بنگالی روان صحبت می‌کنم و امتحان زبان انگلیسی **AP** خود را نیز به پایان رساندم.

یک فیلم هندی در من جرقه‌ای روشن کرد!

دوران رشد، تعداد انگشت شماری از فیلم‌های بالیوودی را در تماشا کردم، اما هندی صحبت نمی‌کردم یا نمی‌فهمیدم و واقعاً نمی‌توانستم با داستان‌ها ارتباط برقرار کنم. وقتی فیلم لذت بخش «مثل بکهام شوت بزن» به نویسندگی و کارگردانی «گوریندر چادا» با بازی فوق‌العاده «پارمیندر ناگرای» را دیدم، در من جرقه‌ای ایجاد کرد. «جس»، قهرمان داستان، شبیه من بود. و مهمتر از آن، نویسنده-کارگردان هم همینطور. برای اولین بار متوجه شدم که می‌توانم نقش اول یک فیلم را برعهده بگیرم و شاید هم آن را بنویسم و کارگردانی کنم.

والدینم فرصت دیده شدن در هندوستان را داشتند من در آمریکا ندارم

به عنوانِ فردی که در کنار افراد الهام‌بخش و مبتکری مانند ایسا رائه، تریسی الیور و متیو چری کار کرده، هدف من الهام بخشیدن به نسل بعدی داستان‌سرایان آسیایی‌تبار آمریکا است که هدف خود را بسازند و اعتماد به نفس لازم را داشته باشند. در حالی که خوشحالم که والدینم در هندوستان خود را در رسانه‌ها نشان دادند، نسل ما در آمریکا چنین فرصت و امکانی را نداشت. زمان آن گذشته که تجربیات ما روی صفحه تلویزیون یا پرده سینما با افرادی که جلو و پشت دوربین شبیه ما هستند عادی شود. ما متحد و یکپارچه نیستیم. زندگی هیچ کدام از ما شبیه هم نیست. ما روایت‌گری خودمان را پس خواهیم گرفت تا داستان‌های خودمان را داشته باشیم و چنان صدا خواهیم کرد که هالیوود نتواند ما را نادیده بگیرد.

جایزه فیپرشی کن به «برادران لیلا» رسید

ساعاتی پیش از برگزاری مراسم اختتامیه جشنواره کن و اهدای جایزه نخل طلای فستیوال، فدراسیون بین‌المللی منتقدان فیلم (**Fipresci**) جایزه منتقدان بین‌المللی خود را برای بهترین فیلم بخش مسابقه اصلی کن به فیلم «برادران لیلا» اهدا کرد. روستایی نیز این جایزه را به مردم آبادان تقدیم کرد. هیات داوران فیپرشی به سرپرستی احمد شوقی فیلمساز مصری، «برادران لیلا» را برای توانایی کارگردانش در ساخت داستانی جذاب، نشان دادن دیدگاه های فرهنگی، ترسیم دنیای کوچک مردسالاری ناکارآمد و تغییر آزادانه و شادی‌بخش بین لحن‌های فیلم ستایش کرد. در روز اول نمایش «برادران لیلا»، منتقدان نشریه‌های فرانسوی حاضر در جشنواره کن و منتقدان نشریه مطرح اسکرین دیلی از فیلم جدید سعید روستایی استقبال نکردند و به نسبت برخی از دیگر آثار حاضر در کن امتیاز بسیار پایین‌تری به این فیلم دادند. با این همه در یکی دو روز گذشته نظرهای متفاوت‌تری نسبت به فیلم«برادران لیلا» شکل گرفت و برخی نظرسنجی‌ها شانس برادران لیلا را برای کسب یکی از جوایز اصلی بخش رقابتی، بسیار بالا عنوان کردند. حتی برخی رسانه‌ها عنوان کرده‌اند که با لو رفتن اسامی برگزیدگان، فیلم روستایی برنده نخل طلا شده است. فیلم برادران لیلا به عنوان نماینده سینمای ایران در این دوره از جشنواره فیلم کن، درباره زنی به نام لیلا (ترانه علیدوستی) است که در سن چهل سالگی، تمام زندگی خود را صرف مراقبت از والدین و ۴ برادرش کرده است و خانواده‌ای پرتنش دارد که زیر فشار قرض‌های متعدد است. در حالی که برادران او به سختی تلاش می‌کنند خرج زندگی خود را دربیاورند، لیلا نقشه‌ای می‌چیند...

یک فنجان چای داغ

«هنر» چگونه انسان را درمان می کند؟

معمولا تصور می‌شود که مهمترین فایده‌ی آثار هنری سرگرمی است. هدف اصلی یک نقاشی زیبا و یک فیلم چه کلاسیک و چه اکشن، سرگرمی مخاطب در نظر گرفته می‌شود اما نمی‌توان سرگرمی را مهمترین و یا تنها فایده‌ی تولید آثار هنری دانست بلکه فایده و هدفی بزرگتر که پشت خلق اثر هنری وجود دارد، برجای گذاشتن تاثیر مثبت بر شخصیت مخاطب است. در یک مجله آمریکایی، تحقیقی درباره‌ی تاثیر هنر بر مغز منتشر شده که نشان می‌دهد برخلاف تصور، افسردگی و احسسات منفی را دیدن یک فیلم کمدی کاهش نمی‌دهد بلکه، دیدن یک درام که در پایان آن حق و عدالت پیروز می‌شود، می‌تواند تاثیر مثبتی بر افسردگی داشته باشد. در مورد شعر، کتاب و تابلوهای نقاشی هم همین‌طور است. هرچند که یک اثر هنری خنده‌دار و کمدی می‌تواند تاثیر مثبتی بر بیننده و خواننده بگذارد اما، این تاثیر کوتاه مدت خواهد بود. در حالی که تاثیر آثار فلسفی و آثاری که معانی عمیقی در خود دارند، طولانی مدت خواهد بود.

هنر و توسعه تفکر خلاق

استعداد تفکر خلاق به خودی خود محدود به سن و سال نیست بلکه الگویی از تفکر است که در زندگی روزمره فرد جریان دارد. این نوع از تفکر باید از کودکی در وجود انسان ریشه دوانده باشد. هنر نیز می‌تواند تفکر خلاق را توسعه دهد. به گفته یک منتقد هنری، غوطه‌ور شدن در درک و تحلیل یک اثر هنری، نه تنها به فرد کمک می‌کند تا توانایی‌های ذهن خود را برای درک محتوا تقویت کند بلکه از نظر روحی نیز تا حد زیادی بر او تاثیر می‌گذارد.

تاثیر هنر بر کاهش استرس و افسردگی

به گفته یک روانشناس، فعالیت هنری بر کاهش افسردگی و استرس نیز تاثیر می‌گذارد. نتایج یک تحقیق نشان می‌دهد که ۴۵ دقیقه فعالیت هنری و خلاقانه می‌تواند سبب کاهش استرس و احساس یأس و سرخوردگی در انسان شود. حتی اگر استعداد هنری نداشته باشید و اثری که خلق می‌کنید خیلی خوب به نظر نیاید، این تاثیر قابل مشاهده است.

چگونه با هنر درمان شویم؟

کتاب‌های سیاه و سفیدی برای رنگ آمیزی کودکان تولید می‌شود که برای بزرگسالان نیز می‌توانید مفید باشد. رنگ آمیزی و نقاشی کمک می‌کنند که انسان آنچه در سینه دارد را بیرون بریزد، حتی اگر طرح‌ها و رنگ‌هایی بی‌معنا و مفهوم باشد.سعی کنید یک دفترچه و یک خودکار کنار تخت خود نگه دارید و به محض بیدار شدن از خواب هر چیزی را که به ذهنتان می‌رسد بکشید. این کار کمک می‌کند که خودتان را بیشتر درک کنید زیرا از این طریق احساساتی را بیان می‌کنید که از طریق کلمات نمی‌توان بیان کرد. فراموش نکنید که چهره اشخاصی که دوست می‌دارید و مکان‌هایی که در آن‌ها احساس آرامش دارید را ترسیم کنید. پس از مدتی خواهید دید که راهنمای جامعی دارید که طبیعت شما را توضیح می‌دهد و چیزهایی که از آن‌ها بیزارید و چیزهایی که دوستشان دارید را مشخص می‌کند. در نهایت نیز ممکن است به این نتیجه برسید که چه کاری را باید در زندگی انجام دهید.

معتادی که یک مدرسه فوتبال راه انداخت

قصه دختر مستعد فوتبالی

آرمان قلی‌پور دشتکی کارگردان مستندهای «کاپیتان ۲۲» و «آن‌سوی حصار» که با موضوعی ورزشی ساخته شده‌اند در گفتگو با خبرنگار مهر درباره فیلم «آن‌سوی حصار» گفت: این مستند درباره «بهناز» دختر نوجوان اهل چهار محال و بختیاری است که استعداد بسیار زیادی در فوتبال دارد اما چون در جغرافیایی روستایی به‌دنیا آمده است، تلاش می‌کند تا به آرزوهایش برسد. در «آن‌سوی حصار» روایت تلاش این دختر و مشکلاتی را که می‌تواند در محیطی کوچک داشته باشد، است.

وی درباره مخاطبان این فیلم و پیام دریافتی بیان کرد: پس از ساخت این فیلم حتی پسرهای نوجوانی که فیلم را دیده بودند به من گفتند که داستان زندگی‌شان را روایت کرده‌ام یعنی کاراکتر «بهناز» نماینده‌ای از جوانان و نوجوان‌های با استعدادی است که به دور از مرکز و شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند. سخت است که در جغرافیایی کوچک زندگی کنید و از کوچک‌ترین امکانات حتی هم‌تیمی محروم هستید و از طرف دیگر در خانواده سنتی پر جمعیتی که نمی‌توانند برای آرزوی یکی از فرزندان‌شان، محل زندگی‌شان را تغییر دهند عموماً در این صورت استعدادها با بالاتر رفتن سن، می‌سوزند.

این فیلمساز ادامه داد: باید در هر زمینه‌ای سازماندهی‌ای صورت و آکادمی‌ای شکل می‌گرفت یا استعدادیابی‌ای می‌شد تا بتوان استعدادها را کشف، پرورش و حمایت کنند. از طرف دیگر خانم‌ها در شرایط محدودتری نسبت به آقایان در جامعه برخوردارند و این شرایط باعث می‌شود که دغدغه یک خانواده نسبت به فرزند دخترش بیشتر باشد. همانطور که به مرکز کشور توجه می‌شود باید به افراد بااستعدادی که در شهرستان‌های کوچک هم حضور دارند توجه کرد تا اتفاق‌های خوبی نه فقط برای یک فرد بلکه در کلان افتد.

کارگردان مستند «زری» درباره علاقه کودکان و نوجوانان به ورزش به‌ویژه فوتبال نیز توضیح داد: علاقه و شوق به فوتبال در همه جای دنیا حتی در دور افتاده‌ترین روستاها وجود دارد. این رشته ورزشی نسبت به دیگر ورزش‌ها در دنیا همه‌گیرتر و محبوب‌تر است؛ برخی آن را به دلیل هیجانی که دارد انتخاب می‌کنند و برخی دیگر با آن زندگی می‌کنند یعنی هم استعداد خوبی در این زمینه دارند و هم رویای این را دارند که در فوتبال موفق باشند، وقتی کسی استعداد چیزی را دارد و آن را پیگیری می‌کند، کمبودها و مشکلات موجود به‌ویژه در شهرستان‌ها خود را بیشتر نشان می‌دهد و فرد با خود می‌گوید که اگر در شهر دیگری به دنیا آمده بود، می‌توانست به آرزوهایش برسد.

قلی‌پور دشتکی در بخش دیگری از صحبت‌هایش با اشاره به مستند «کاپیتان ۲۲» و تاثیر فوتبال بر زندگی کاراکتر آنکه منجر به ترک اعتیادش شد، عنوان کرد: کاراکتر فیلم «کاپیتان ۲۲» در وضعیت بسیار بدی از اعتیاد قرار داشت و من آن را بالاترین حد از اعتیاد می‌دانم اما اراده‌ای در او پدید آمد تا بر اعتیاد غلبه کند، اراده این فرد می‌تواند بر همه کسانی که می‌خواهند به هدف خود برسند، تاثیر بگذارد. از طرف دیگر علاقه او به فوتبال توانست بسیاری از استعدادها را کشف کند؛ این فرد بدون هیچ چشم‌داشتی مدرسه فوتبالی را به راه انداخت و با کم‌ترین هزینه به افراد فوتبال آموزش می‌داد، حال می‌توانیم ببینیم که از خروجی آموزش‌های او بسیاری از بچه‌ها به رده‌های بالاتری در این رشته سعود کرده‌اند و در شهرستان و استان بازی می‌کنند.

او افزود: هر کدام از این بچه‌ها می‌توانستند به سمتی روند اما الان خیلی جدی و با استعداد فراوان مشغول بازی فوتبال هستند و حداقل از مسیرهای اشتباهی، همچون مسیری که خود کاپیتان طی کرده بود، پیشگیری کرده‌اند. وقتی شما بچه‌هایی را می‌بینید که در شهری کوچک مشغول تمرین فوتبال هستند، حال‌تان بسیار خوب خواهد شد. خیلی حس خوب است که فردی از شرایط سخت بیرون می‌آید، به چند بچه کمک می‌کند که به سمت علاقه خود بروند و خروجی‌اش چند بازیکن خوب در منطقه، شهرستان یا استان است. اراده کاراکتر «کاپیتان ۲۲» قوی است و کاری که می‌کند بسیار بزرگ است پس باید دیده و حمایت شود.

((حریم خطوط لوله انتقال گاز، حافظ سلامتی و ایمنی شماست))

نوبت دوم

آگهی تجدید مناقصه شماره مناقصه: ۸۷۶۸۰۴۸۴

شرکت انتقال گاز ایران
منطقه سه عملیات انتقال گاز

شرکت انتقال گاز ایران (منطقه سه عملیات انتقال گاز) در نظر دارد مناقصه به‌شرح ذیل را به روش مناقصه عمومي يك مرحله اي و ارزيابي كيفي (همزمان) به شماره فراخوان ۲۰۰۱۰۹۲۳۹۹۰۰۰۰۱۵ از طريق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به پیمانکاران واجد صلاحیت واگذار نماید. لذا از متقاضیان شرکت در مناقصه دعوت به عمل می آید جهت دریافت و بارگذاری اسناد مناقصه و استعلام ارزیابی کیفی از طریق سامانه ستاد ایران (www.setadiran.ir) اقدام نمایند.

۱ـ موضوع مناقصه: تعمیرات خط لوله " ۱۶ پارچین ـ فیروزکوه حدفاصل کیلومتر ۰ تا ۱۲۴
۲ـ زمان دریافت اسناد مناقصه و استعلام ارزیابی کیفی: از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۲ تا روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۹
۳ـ زمان بارگذاری اسناد مناقصه و استعلام ارزیابی کیفی: تا روزشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۸
۴ـ زمان بازگشایی پاکات استعلام ارزیابی کیفی: روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۹
۵ـ میزان ونوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مبلغ ۶۱۱/۲۴۴/۰۰۰ ریال بصورت ضمانتنامه بانکي يا واريز وجه نقد
۶ـ زمان تخمینی بازگشایی پاکات پیشنهادات مالی در تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۰۶ در تهران- جاده قدیم قم- باقرشهر- بلوار فلسطین- بعد از نیروگاه گازی ری- ستاد منطقه سه عملیات انتقال گاز می باشد که تاریخ دقیق آن متعاقباً اعلام خواهد شد.

تلفن تماس: ۵۱۰۶۲۸۴۷ ـ ۰۲۱ / نمابر: ۵۵۲۲۱۱۳۴ ـ ۰۲۱

توجه: ممکن است با توجه به روند برگزاری مناقصات تغییرات احتمالی در تاریخ های اعلام شده وجود داشته باشد لذا خواهشمند است زمان دقیق دریافت و بارگذاری اسناد مناقصه و هرگونه تغییر دیگر را حتما از طریق شماره فراخوان مذکور در سامانه ستاد ایران دنبال نمایند.

یا به سایت هاي ذيل مراجعه فرمائید:
http://www.setadiran.ir
http://iets.mporg.ir
http://www.District3.nigtc.ir

شناسه آگهی: ۱۳۲۰۰۳۴

روابط عمومی منطقه سه عملیات انتقال گاز